



۲۰۱۶/۰۸/۲۳



حمید انوری

چیزیکه عوض دارد، گله ندارد



پولیس کندهار ۱۵۰ کارگر غیرقانونی پاکستان را بازداشت کرده است

کندهار (پژواک، اول سرطان ۹۵): پولیس درکندهار، از چند روز گذشته روند گرفتاری آنعده اتباع پاکستانی را آغاز کرده که برای کار به این ولایت آمده و فاقد اسناد قانونی اسکان و کاراند.

مسوولین قوماندانی امنیه کندهار می گویند که تاکنون ۱۵۰ تبعه پاکستان را که اکثر شان باشندگان ایالت پنجاب پاکستان اند، بازداشت کرده و در مرز به جانب پاکستان سپرده اند...

هموطنان می توانند گزارش کامل را در لینک ذیل مطالعه نمایند:

[پولیس کندهار ۱۵۰ کارگر غیرقانونی پاکستان را بازداشت کرده است](#)

و اما و مگر! آیا حکومت دوسره کابل در این مورد به قوماندانی امنیه و مقام ولایت قندهار در مورد چنین دستوری صادر کرده است؟

اگر پاسخ مثبت باشد، در اینصورت آیا مقامات گویا مسؤل در کابل عواقب خطرناک و سخت اسفبار این تصمیم شانرا هم تول و ترازو کرده اند؟

آیا جنابان فراموش کرده اند که بیشتر از دومیلیون افغان مهاجر در کشور پاکستان زندگی دارند و تعداد بیشماری از آنان جهت کسب حلال روزی مشغول کارو کاسبی در ملک بیگانه اند و معلوماتار تعداد قابل ملاحظه از جمع آن بخت برگشته ها که هنوز منتظر برگشت به کشور آبائی شان هستند، اجازه کار ندارند؛ اگر پاکستان عمل بالمثل انجام دهد، چه فاجعه عظیمی اتفاق خواهد افتاد!!!

اگر بصورت تقریبی قبول کنیم که در حدود بیست هزار کارگر پاکستانی بدون مجوز کار مشغول کار و کاسبی در افغانستان باشند، حدود دومیلیون مهاجرافغان در پاکستان زندگی میکنند، البته اگر بشود نام آنرا "زندگی"

گذشت و از این دومیون شاید نیم میلیون اجازه کار در پاکستان را نداشته باشند؛ اگر تنها و تنها همین نیم میلیون افغان مهاجر را مقامات پاکستان به یکبارگی توقیف کرده و به گفته ایرانی ها "رد مرز" کرده و به مقامات افغان در این سوی سرحد تحویل دهند، فاجعه ای که در آن زمان روی خواهد داد، چنان عظیم خواهد بود که حتی تصور آن هم مو بر اندام راست می سازد. آخر نه چنان است که "چیزیکه عوض دارد، گله ندارد!!!" اما چه خوش گفته اند:

دنیا را همه گر آب برد (ع و غ) را خور و پف خواب برد

در حالتی که امروز افغانستان را قرار داده اند و حکومت ائتلافی و مسخره ای که بر مردم دربند کشیده شده ما تحمیل کرده اند، اقدامات این چینی هرگز نمی تواند به نفع کشور و مردم ما باشد، آتش زدن بیرق یک کشور خود یک جرم محسوب می شود و کار درستی نیست، این عمل غیر قانونی در چند ولایت صورت گرفته است که قابل درنگ است. دشمنان کشور و مردم ما از این شرایط استفاده های ناجائز میکنند تا آتش یک جنگ بین افغانستان و پاکستان را مشتعل سازند که البته به نفع هر دو کشور نخواهد بود، دستان مرموز آخذ های ایرانی را نباید نادیده گرفت.

از بخت بد دیر زمانست که افغانستان را از خبگان سیاسی تهی کرده اند، سری در این دور زمان نمی بینی که به تنش بی ارزد، از اینروست که مقامات در کابل فقط بلد هستند جنگ و دندان نشان دهند و در یک چنان جنگی در نخستین قدم در هر دو سوی سرحد خون پاک افغانها ریخته خواهد شد که هرگز چنین مباد!

امروز همه امور سیاسی- نظامی کشور دستخوش چپاول است، هر وزیر بیست مشاور دارد و هر مشاور ده مشاور دیگر، اما با هزاران درد و دریغ که یکی از اینهمه لا و لشکر مفت خور و خود بزرگ بین، بگفته مشهور "الف در جگر ندارد".

ما در قدم نخست و قبل از متوسل شدن به چنین کار های ناسنجیده و احساساتی باید خانه خود را آباد کنیم و تهداب آنرا بجای خشت خام از سنگ سخت سازیم، بعد در فکر عودت شرفتمندانة هموطنان مهاجر خود از پاکستان و ایران شویم و شرایط زندگی و کار شرافتمند را برای شان در کشور خود شان آماده سازیم، امنیت را در سرتاسر کشور برقرار نمائیم و...، یعنی اینکه اول قوی شویم تا در نظام طبیعت پامال نشویم.

خوب به یاد دارم حدود چهل سال قبل بود یا بیشتر یا کمتر که زنده یاد "استاد رحیم بخش" در یکی از آهنگ های دلنشین خود زمزمه میکرد و چه عالی هم زمزمه میکرد که:

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی

که در نظام طبیعت ضعیف پامال است

اما وای بر ما که هرگز نگذاشتند و هرگز نتوانستیم و شاید هم هرگز نخواستیم قوی باشیم، از اینروست که هنوز هم پامال از خود و بیگانه هستیم. از گرفتن یخن همسایه که بگذریم و سری به گریبان خود فرو کنیم، یقین که بیشترین مشکلات ما در کمترین زمان حل خواهد شد.